

## جامعه‌پذیری و بازجامعه‌پذیری سیاسی در نظام‌وظیفه

### مطالعه نگرش دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد<sup>۱</sup>

وحید سینائی،\* حمید مسعودی\*\*

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نگرش دانشجویان درباره جامعه‌پذیری و بازجامعه‌پذیری سیاسی در نظام‌وظیفه است. متغیرهای اصلی این پژوهش تأثیر نظام‌وظیفه بر تغییر نگرش به خانواده، دوستان و محیط اطراف و نگرش دانشجویان به کارکردهای اجتماعی و کارکردهای سیاسی نظام‌وظیفه در سه سطح نظام سیاسی، مقام‌های سیاسی و شناخت سیاسی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بیشتر دانشجویان با تأثیر نظام‌وظیفه بر تغییر نگرش مضمولان به خانواده، دوستان و محیط اطراف خود و نیز وجود کارکردهای اجتماعی برای نظام‌وظیفه و در نتیجه تأثیر آن در فرایند جامعه‌پذیری موافق‌اند، اما با اینکه نظام‌وظیفه دارای آثار و کارکردهایی در بازجامعه‌پذیری سیاسی مضمولان باشد مخالف هستند. درباره تأثیر نظام‌وظیفه بر تغییر نگرش به خانواده، دوستان و محیط اطراف، کارکردهای اجتماعی نظام‌وظیفه، کارویژه‌های سیاسی معطوف به نظام، مقام‌های سیاسی و شناخت و گرایش سیاسی بسته به وضعیت دانشجویان در قبال نظام‌وظیفه تفاوت معناداری میان دانشجویان وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌پذیری، بازجامعه‌پذیری، سربازی، نظام‌وظیفه، دانشجویان، ایران.

<sup>۱</sup> این مقاله از طرح پژوهشی با عنوان «شناخت نگرش دانشجویان به نظام‌وظیفه و اثرات نظام‌وظیفه بر آنان: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد» استخراج شده است که در دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است.

\* استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد sinaee@um.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی massoudihamid@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۹

مسائل اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۲، صص ۷۹-۱۰۴

جامعه‌پذیری<sup>۱</sup> و بازجامعه‌پذیری سیاسی<sup>۲</sup> فرایندی است که در آن اعضای جامعه به تدریج می‌آموزند چگونه در جامعه زندگی کنند و با هنجارهای گروهی و سیاسی هم‌ساز شوند. عاملان جامعه‌پذیری متعدّدند و طیفی از عوامل رسمی، غیررسمی، دولتی و غیردولتی را در برمی‌گیرند. دولت‌ها می‌کوشند از عاملان و مجاری جامعه‌پذیری و بازجامعه‌پذیری برای هم‌نوساختن اعضای جامعه با ارزش‌های خود سود جویند. نظام‌وظیفه و خدمت‌سربازی اجباری از جمله این عاملان است. در دوران نظام‌وظیفه، جوانان ذکور باید مدتی حدود دوسال را در پادگان‌ها و نهادهای نظامی بگذرانند. این دوره فرصتی برای جامعه‌پذیری و بازجامعه‌پذیری سیاسی جوانان محسوب می‌شود.

در ایران، از زمان برقراری نظام‌وظیفه، از این نهاد برای اجتماعی کردن و بازجامعه‌پذیری سیاسی سود جسته شده است. اما نخستین بار در برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی (۱۳۹۰-۱۳۹۴) به این کارکرد نظام‌وظیفه تصریح شد. با وجود این قصد بهره‌برداری از نظام‌وظیفه برای جامعه‌پذیری و بازجامعه‌پذیری سیاسی با میزان موفقیت و اثرگذاری آن در این فرآیند متفاوت و متمایز است. به عبارت دیگر، نظام‌وظیفه در موقعیت اجتماعی معینی افزون بر کارویژه خود می‌تواند کارکردهای اجتماعی و سیاسی نیز داشته باشد، در انتقال ارزش‌های نظام سیاسی اثرگذار باشد و به سازگاری و هم‌نوایی جوانان با آنها کمک کند. اما این احتمال نیز می‌رود که در موقعیت‌های متفاوت اجتماعی از دامنه اثرگذاری این کارکردها کاسته شود یا در برهه‌ای اساساً منتفی شوند.

دانشجویان از جمله گروه‌هایی هستند که می‌توانند در ارزیابی میزان موفقیت دولت در دستیابی به اهدافش در فرایند جامعه‌پذیری و بازجامعه‌پذیری سیاسی در دوران خدمت نظام‌وظیفه مورد توجه باشند. دسته‌ای از آنان که تمام یا مدتی از خدمت را انجام داده‌اند، در معرض کارکردهای مختلف نظام‌وظیفه بوده‌اند. بخش دیگری نیز مشمول هستند که پس از فراغت از تحصیل به خدمت اعزام می‌شوند. حتی آن دسته از دانشجویان که از معافیت‌های دائم برخوردارند در معرض فرآیندهای حقوقی و اداری نظام‌وظیفه بوده‌اند. شناخت نگرش این دسته‌ها درباره کارکردهای اجتماعی و سیاسی نظام‌وظیفه و مقایسه آنها درخور توجه است.

<sup>1</sup> Political resocialization

<sup>2</sup> Socialisation

توجه به این نگرش‌ها می‌تواند بر میزان موفقیت یا ناکامی برنامه‌های دولت در بازجامعه‌پذیری سیاسی در دوران خدمت نظام‌وظیفه نیز پرتو بیفکند. ازسوی دیگر با گسترش کمی دانشگاه‌ها و افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو هرساله بر سهم دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها در ترکیب مشمولان افزوده می‌شود، تا آنجا که به‌زودی و حداکثر تا سال ۱۴۰۰ دست‌کم نیمی از کل مشمولان دانش‌آموخته یکی از مقاطع تحصیلی بالاتر از دیپلم خواهند بود (مسلمی، ۱۳۸۲: ۱۷-۱۴). افزون بر اینها، دانشجویان در زمره گروه‌های آگاه و مرجع هستند و نگرش آنان درباره تأثیر نظام‌وظیفه بر جامعه‌پذیری و بازجامعه‌پذیری سیاسی می‌تواند مقرون به صحت باشد که شناخت آن اهمیت دارد.

#### ۱. پیشینه تحقیق

درباره تأثیر نظام‌وظیفه در فرایندهای جامعه‌پذیری و بازجامعه‌پذیری سیاسی در ایران تاکنون پژوهش مستقل تاریخی-نظری یا پیمایشی صورت نگرفته است. اما درباره دو موضوع جامعه‌پذیری و نظام‌وظیفه به تفکیک و بی‌ارتباط با یکدیگر آثاری منتشر شده است. درباره بررسی عوامل مؤثر در جامعه‌پذیری سیاسی در ایران می‌توان به تأثیر خانواده و نوع روابط خانوادگی بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران (حسینی، ملکیان و توکلی، ۱۳۸۹)؛ عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری دانشجویان دکتری دانشگاه تبریز با نقش محقق (امین مظفری، یوسفی‌اقدم، ۱۳۸۸)؛ نقش رادیو و تلویزیون در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان (آذین و جهانشاهی، ۱۳۸۹)؛ و تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران (فیروزجائیان و جهانگیری، ۱۳۸۷) اشاره کرد. آثار منتشرشده درباره نظام‌وظیفه در مقایسه با موضوع جامعه‌پذیری کمترند. شاید مهم‌ترین علت، با همه اهمیت نظام‌وظیفه به‌عنوان موضوعی اجتماعی، محدودیت‌ها و موانع موجود در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی نظامی به‌ویژه در ارتباط با پیمایش و امکان دسترسی به مراکز و منابع پژوهشی مربوط باشد. در مطالعات نسبتاً اندکی که درباره نظام‌وظیفه صورت گرفته است، سه دسته را می‌توان از هم بازشناخت. نخست کتاب‌هایی که درباره ارتش جدید در ایران نگاشته شده‌اند (قائم مقامی، ۱۳۲۶؛ بیگلرپور، نفیسی، قائم‌مقامی، بی‌تا؛ کرونین، ۱۳۷۷). در این کتاب‌ها نظام‌وظیفه بیشتر از نظر تحولات تاریخی و سازمانی بررسی شده است. دو دسته دیگر از مطالعات نظام‌وظیفه در

دو قوه مقننه و قضائیه به اقتضای وظایف سازمانی انجام شده‌اند. در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با هدف اصلاح قوانین نظام‌وظیفه (دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۸۲ الف؛ دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۸۲ ب؛ طالقانی، ۱۳۸۱؛ علیزاده، ۱۳۸۲) و در سازمان قضایی نیروهای مسلح به منظور شناخت علل ارتکاب جرم و با هدف پیشگیری از وقوع جرم در میان سربازان وظیفه، مطالعات چندی انجام شده است (اداره کل عفو و پیشگیری از وقوع جرم، ۱۳۸۰؛ صالح صدق‌پور و شفیعی، ۱۳۷۹ الف؛ صالح صدق‌پور و شفیعی، ۱۳۷۹ ب. اداره کل عفو و پیشگیری از وقوع جرم، ۱۳۷۹). این مطالعات ما را در شناخت نظام‌وظیفه یاری می‌دهند، اما هیچ کدام به موضوع این پژوهش یعنی تأثیر نظام‌وظیفه در فرایند جامعه‌پذیری و بازجامعه‌پذیری سیاسی و نگرش دانشجویان به آن نمی‌پردازند. نبود این پیشینه، به پژوهش حاضر ویژگی‌های بدیعی می‌بخشد، اما هم‌زمان محدودیت‌ها و کاستی‌هایی را نیز موجب می‌شود که صرفاً تداوم تحقیقاتی از این دست و همکاری نهادهای مسئول می‌تواند به گشایش فضا، دستیابی به پژوهش‌های عمیق‌تر و رفع کاستی‌های موجود کمک کند.

## ۲. چارچوب نظری

اجزای هر گروه اجتماعی، به‌ویژه کوچک‌ترین آن، فرد انسانی، همواره در حال تغییرند. از این رو گروه انسانی برای حفظ سازمان و ادامه زندگی خود ناگزیر است پیوسته افراد جدید را با خود هم‌ساز<sup>۱</sup> و برای زندگی گروهی آماده کند. هم‌نوایی گروهی<sup>۲</sup> نتیجه نهایی این هم‌سازی است. هم‌نوایی گروهی دارای دو مرتبه ساده و صوری، و پیچیده و ژرف است. اولی جامعه‌پذیری و دومی فرهنگ‌پذیری<sup>۳</sup> خوانده می‌شود. جامعه‌پذیری را جاگیر ساختن مهارت‌ها، انگیزه‌ها و ایستارهای لازم برای اجرای نقش‌های اجتماعی دانسته‌اند. از آنجا که فراگیری جریان مستمری در تمام زندگی است، ایستارهای برخی اعضای جامعه در موقعیت‌هایی تغییر می‌کند. این به‌ویژه در دوران جوانی و بزرگسالی یا به هنگام رویدادهای دگرگون‌ساز مانند انقلاب‌ها، تحولات سیاسی و تغییر رژیم‌های سیاسی رخ می‌دهد. در این مواقع افراد با ارزش‌ها و ایستارهای جدیدی روبه‌رو می‌شوند که ممکن است نگرش‌های آنان را تغییر دهد. این دگرگونی در فرایندی روی می‌دهد که آن را بازجامعه‌پذیری می‌نامند.

<sup>1</sup> Accommodated

<sup>2</sup> Group conformity

<sup>3</sup> Acculturation

گیدنز جامعه‌پذیری را فرایندی می‌داند که در آن کودک ناتوان به تدریج به شخصی خودآگاه، دانا و ورزیده در شیوه‌های فرهنگی‌ای تبدیل می‌شود که در آن متولد شده است. این فرایند در سراسر دوره زندگی و تا پایان هستی فرد ادامه می‌یابد (۱۳۷۴: ۹۶، ۲۷). جریان جامعه‌پذیری به دو صورت آموزش آگاهانه و ناآگاهانه هنجارهای زندگی صورت می‌گیرد. هم‌نوایی فرد با هنجارهای اجتماعی که مایه جامعه‌پذیری است نیز به دو گونه است: مجاب‌شدن<sup>۱</sup> یا هم‌نوایی درونی و اجابت‌کردن<sup>۲</sup> یا هم‌نوایی سطحی. هم‌نوایی سطحی شخص را به رعایت هنجارها به قصد حفظ ظاهر وامی‌دارد، اما هم‌نوایی درونی فرد را به قبول باطنی هنجارها برمی‌انگیزد. جامعه‌پذیری وقتی تام و تمام است که فرد به درونی‌کردن هنجارهای اجتماعی بپردازد و این هم در صورتی است که بین فرد و جامعه وفاق کافی برقرار باشد. اگر جریان جامعه‌پذیری عمیقاً صورت گیرد و دوام آورد، افراد جامعه از مشابهت‌های فراوان برخوردار و سرانجام با دیگر اعضا همانند می‌شوند. به این ترتیب فرهنگ‌پذیری رخ می‌نماید. بنابراین فرهنگ‌پذیری جریانی است که فرد را عمیقاً و از جهات فراوان با فرهنگ جامعه هماهنگ می‌کند، اما جامعه‌پذیری فرآیندی است که فرد را کم‌وبیش با هنجارهای اجتماعی سازگار می‌کند (برن و کوف، ۱۳۵۶: ۱۵۹، ۱۵۷، ۱۵۵، ۱۵۴).

فرایندهای جامعه‌پذیری سیاسی هنگامی روی می‌دهند که فرد اطلاعات، ارزش‌ها، رفتار و رویه‌های سیاسی را کسب می‌کند. به عبارت دیگر افراد همان‌گونه که در نقش‌های غیرسیاسی و نظام‌های اجتماعی جامعه‌پذیر می‌شوند، در نقش‌ها و نظام سیاسی نیز جامعه‌پذیر می‌شوند و فرهنگ سیاسی را کسب می‌کنند (آلموند و وربا، ۱۹۶۳: ۱۴). به این ترتیب جامعه‌پذیری سیاسی به فرایندی اشاره دارد که از طریق آن افراد تازه‌وارد جامعه با کسانی که در دل آن رشد می‌کنند الگوهای مشخص سمت‌گیری و رفتار سیاسی را کسب می‌کنند. از جامعه‌پذیری سیاسی تعاریف محدود و گسترده هم شده است. در تعریف محدود، جامعه‌پذیری سیاسی تزریق حساب‌شده اطلاعات، ارزش‌ها و رویه‌های سیاسی توسط عاملان آموزش‌دهنده‌ای است که در این زمینه مسئولیت رسمی دارند (گرین‌اشتین، ۱۹۶۸: ۵۵۱). این تعریف در کوشش‌های آشکار نظام‌های توتالیتر برای القای ارزش‌های معین از طریق نهادهای دولتی

<sup>1</sup> Conviction

<sup>2</sup> Compliance

از جمله نظام آموزشی آشکار می‌شود. در آلمان نازی و اتحاد شوروی این اجتماعی شدن از طریق مدارس، کتاب‌های درسی، سازمان‌های نوجوانان و جوانان و... از کودکان تا آموزش عالی و فراتر از آن انجام می‌شد (راش، ۱۳۷۷: ۱۰۵-۱۰۳). در معنای گسترده جامعه‌پذیری شامل تمام اشکال یادگیری سیاسی اعم از رسمی یا غیررسمی، خواسته یا ناخواسته و در تمام مراحل عمر می‌شود که نه تنها یادگیری صریح سیاسی، بلکه یادگیری‌های به‌ظاهر غیرسیاسی را نیز دربرمی‌گیرد (گرین اشتین، ۱۹۶۸: ۵۵۱).

محتوای جامعه‌پذیری سیاسی را همان آموخته‌های فرد تشکیل می‌دهد. این محتوا شامل تمایلات، باورها و ایستارهای فرد درباره سیاست و فعالیت سیاسی است. عاملان جامعه‌پذیری سیاسی می‌توانند دولتی و رسمی مانند مدرسه و رسانه‌های همگانی یا غیردولتی و غیررسمی مانند خانواده، گروه همسالان و محیط کار باشند. برخی محققان دسته‌بندی دیگری از عاملان ارائه داده‌اند: آنهایی که بر یادگیرنده اقتدار دارند، مانند آموزگار، پدر و مادر، و آنان که با یادگیرنده موقعیت برابر دارند، مانند همسالان، دوستان و همکاران (چیلکوت، ۱۳۷۷: ۳۵۹). جامعه‌پذیری سیاسی به دو شکل انتقال و یادگیری مستقیم یا غیرمستقیم صورت می‌گیرد. جامعه‌پذیری مستقیم حالتی است که اطلاعات، ارزش یا احساسات ناظر بر مسائل سیاسی به‌صراحت انتقال می‌یابد. جامعه‌پذیری غیرمستقیم هنگامی رخ می‌دهد که تجربیات یا نوع تربیت و رفتار ما ناخواسته به دیدگاه‌های سیاسی ما شکل می‌دهد (آلموند و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۵۸).

هرچند ظاهراً بیشتر آموخته‌های اساسی در سال‌های نخست عمر برای فرد حاصل می‌شود، گاه افراد بزرگ‌سال نیز ممکن است جامعه‌پذیری مجدد یا بازجامعه‌پذیری را تجربه کنند. این فرایندی است که با گسیختگی الگوهای رفتار و ارزش‌های پذیرفته‌شده پیشین، و به دنبال آن پذیرش ارزش‌ها و الگوهای رفتاری اساساً متفاوت مشخص می‌شود. افراد به‌ویژه در دوران جوانی و بزرگ‌سالی در معرض فرایندها و عاملان بازجامعه‌پذیری هستند. آنها با ترک دبیرستان و ورود به دانشگاه یا محیط کار و حتی ازدواج و داشتن فرزند، با اطلاعات، موقعیت‌ها و آموخته‌های جدیدی روبه‌رو می‌شوند که ممکن است بر ارزش‌ها و ایستارهای آنان اثر بگذارد.

وقوع دگرگونی‌های سیاسی، که ساختار و رژیم سیاسی را متحول می‌کند با بسیج یا حضور داوطلبانه مردم در رویدادهای سیاسی و تأثیرپذیری از ایستارها و ارزش‌های جدید و

انقلابی همراه است، از دیگر مواردی است که بازجامعه‌پذیری سیاسی را موجب می‌شود. در این فرایند آموخته‌ها و الگوهای رفتاری پیشین به کناری نهاده می‌شود و هنجارها و قواعد ارزشی و رفتاری نوینی برگرفته می‌شود. اما افزون بر فرایندهای جاری و ناخودآگاه، نظام‌های سیاسی انقلابی-ایدئولوژیک نیز به‌شکلی آگاهانه می‌کوشند نه تنها نسل جدید، بلکه نسل قدیم را بازاجتماعی کنند. ایوان ولگیز در پژوهشی دربارهٔ جامعه‌پذیری سیاسی در کشورهای اروپای شرقی به جامعه‌پذیری نسلی<sup>۱</sup> یعنی اجتماعی کردن خودآگاه یا ناخودآگاه کودکان توسط بزرگسالان و بازجامعه‌پذیری اشاره می‌کند و آن را به دو مرحلهٔ انقلابی و پیوسته تقسیم می‌کند. او می‌نویسد هنگامی که رژیم جدیدی با ارزش‌های ایدئولوژیک متفاوتی به قدرت می‌رسد، می‌کوشد نه تنها نسل جدید را اجتماعی کند بلکه نسل قدیم را نیز بازاجتماعی می‌کند و ارزش‌های آنها را از ایدئولوژی قدیم به جدید تغییر می‌دهد. افزون بر این، رژیم کوشش می‌کند کنترل ایدئولوژیک خود را به‌وسیلهٔ فرایند مداوم اجتماعی کردن به‌ویژه در محل کار و رسانه‌ها تقویت کند. در چنین وضعیتی تمام فعالیت‌های جامعه اصولاً و به‌میزان درخور توجهی عملاً تابع ارزیابی ایدئولوژیک قرار می‌گیرد و انتظار می‌رود رفتار واقعاً یا ظاهراً با هنجارهای آشکار ایدئولوژیک هم‌نوا باشد (ولگیز، ۱۹۷۵: ۳-۱).

وقوع بازجامعه‌پذیری سیاسی همیشه نیازمند ایجاد دگرگونی سیاسی و به‌قدرت‌رسیدن رژیم سیاسی جدید نیست. یکی از انواع موقعیت‌هایی که بازجامعه‌پذیری سیاسی ممکن است در آن پدید آید، هنگامی است که فرد وارد سازمان بازداشت گاهی می‌شود. سازمان‌هایی از قبیل بیمارستان روانی، زندان، سربازخانه یا محیط دیگری که او را از دنیای خارج جدا و تابع الزامات جدید و انضباط سخت می‌سازند. در این محیط‌ها به‌ویژه در صورتی که فشار بیش از حد وجود داشته باشد ممکن است تغییرات کاملاً چشمگیری در شیوهٔ نگرش و شخصیت افراد به وجود آید (گیدنز، ۱۳۷۴: ۸۸). خدمت سربازی، سربازخانه، مراکز نظامی و پادگان از جمله محیط‌هایی هستند که به دلیل ویژگی‌های خود به مکان مناسبی برای بازجامعه‌پذیری سیاسی مبدل می‌شوند.

<sup>۱</sup> Generational socialization

نظام‌وظیفه<sup>۱</sup> روش تأمین منابع انسانی پیرامون سازمان‌های نظامی در دولت‌های مدرن است. این روش در انقلاب فرانسه و ارتش ملی نیز نخستین بار در فرانسه و توسط لازار کارنو<sup>۲</sup> ابداع شد (بشیریه، ۱۳۷۳: ۲۶۳). بنابراین برقراری نظام‌وظیفه با ایجاد دولت-ملت، برقراری حاکمیت ملی و رواج ناسیونالیسم و شکل‌گیری دولت مدرن پیوند دارد. در دولت مدرن براساس قوانین کلیه اتباع یا شهروندان ذکور موظف‌اند دوره‌ای از جوانی خود را در خدمت نیروهای مسلح بگذرانند. به این ترتیب خدمت سربازی از شکل داوطلبانه و حرفه‌ای به وظیفه‌ای ملی، عمومی و اجباری تبدیل شد و امتناع از خدمت سربازی یا ترک آن جرم و مستحق مجازات دانسته شد (سینائی، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۹۵). آنچه نظام‌وظیفه را از دیگر روش‌های تأمین منابع انسانی برای نیروهای مسلح متفاوت ساخت دو ویژگی "اجباری بودن" و "عام بودن" است (سینائی، ۱۳۹۰: ۲۰۲-۲۰۱). با برقراری نظام‌وظیفه نه تنها نیروی لایزالی برای تأمین امنیت ملی و در مواردی مقابله با مخالفان داخلی و دشمنان خارجی شکل گرفت، بلکه فرصت ارزشمندی نیز برای بازاجتماعی کردن در اختیار دولت‌ها قرار گرفت. دو جنگ جهانی نظام‌وظیفه را به تدریج در کشورهای صنعتی مانند بریتانیا و ایالات متحده و کشورهای آسیایی و آفریقایی رواج داد (فرامزبان، بی تا: ۲۷).

### ۳. نظام‌وظیفه، جامعه‌پذیری و بازجامعه‌پذیری سیاسی در ایران

از میانه دوره قاجار روش "سرباز بنیچه" برای تأمین نیروی انسانی قشون در ایران معمول شد. این روش بخشی از اصلاحات نظامی امیرکبیر برای کاستن از وابستگی دولت به ولایات و ایلات بود (کالمار، ۱۳۶۹: ۱). اما نواقص و کمبودهای سربازگیری "بنیچه" به تدریج آشکار شد. فشار بر روستاها و ایلات، معافیت شهرها و روستاهای متعلق به شاهزادگان و روحانیان، پرداخت رشوه به گروه‌های اعزامی برای سربازگیری و انتخاب افراد فقیر و ناتوان جسمی برای سربازی دشواری‌های زیادی را در تأمین نیروی انسانی و آموزش‌های نظامی به آنان ایجاد کرده بود (ریشار، ۱۳۶۹: ۵۵).

برقراری نظام‌وظیفه در ایران و تشکیل ارتش منظم از زمان مشروطه و به‌ویژه در مذاکرات اولین و دومین دوره مجلس شورای ملی مطرح شد. اما به دلایل تاریخی و ساختاری، دولت مشروطه استقرار نیافت و پس از دوره‌ای بی‌ثباتی، با کودتای ۱۲۹۹ شمسی مقدمات استقرار

<sup>1</sup> Conscription

<sup>2</sup> Lazar Carnot



دولت مطلقه در چارچوب مقتضیات و جامعه ایران فراهم آمد. دولت‌های مدرن برای بازتولید ارزش‌ها و انجام موفقیت‌آمیز کارکردهای خود نیازمند بازاجتماعی‌شدن جوانانی هستند که جامعه‌پذیری را در نهادها و روابط سنتی تجربه کرده‌اند. با تشکیل ارتش جدید در سال ۱۳۰۰ شمسی این نهاد به پیش‌قراول نوسازی و از سال ۱۳۰۵ با برقراری نظام‌وظیفه به نهادی برای بازجامعه‌پذیری سیاسی جوانانی تبدیل شد که فرایندهای جامعه‌پذیری را پیش از این در نهادهای سنتی گذارنده بودند. احمد نقیب‌زاده برقراری خدمت نظام‌وظیفه را از تمام تدابیر دیگر رضاشاه در «سست کردن روابط درونی عشایر و ایلات و پیوندادن آنها با ارگان‌های دولتی» مؤثرتر می‌داند. او می‌نویسد:

یکی از کارویژه‌های پنهان خدمت نظام، همان کارویژه‌های آشکار دستگاه آموزش و پرورش است، به این عبارت که در درجه اول فرد تماسی مستقیم با نظام سیاسی کشور پیدا می‌کند و در خلال آموزش نظامی با بسیاری از مقررات، نهادها و قوانین نیز آشنا می‌شود. افزون بر این، ایدئولوژی دولتی نیز به بهترین وجه به او القا می‌شود. خدمت نظام مانند یک حزب سیاسی فرد را به بدنه اجتماعی متصل می‌کند و از او یک شهروند فعال و جهت‌دار می‌سازد. بسیاری از مأموران اطلاعاتی رژیم پهلوی در دوره سربازی شناسایی و جذب می‌شدند. کارکرد دیگر نظام اجباری آشنایی افراد با یکدیگر و با مناطق مختلف کشور است. ارتباطات اجتماعی یکی از راه‌های ادغام اجتماعی و ایجاد هم‌گونگی و برقراری پیوند با اتباع دیگر است. خدمت نظام خود یکی از زمینه‌های این‌گونه ارتباطات است (۱۳۷۹: ۱۹۸).

شاید این جملات اغراق‌آمیز باشد، اما آشکارا به کارکردهای جامعه‌پذیری نظام‌وظیفه اشاره دارد. بنیان‌های نظری نظام‌وظیفه کارکردهای اجتماعی و سیاسی آن را رقم می‌زد: احساس برابری با دیگر گروه‌های اجتماعی؛ آشنایی با مقررات و آیین‌نامه‌های اداری؛ مواجهه با زندگی شهرنشینان و ویژگی‌های زندگی شهری و صنعتی مانند ساعت کار، مرخصی، اوقات فراغت، مراکز تفریحی و هنری و عمومی؛ آگاهی از تحولات و پیشرفت‌های تکنولوژیک و آموزش‌های جدید و گاه حتی سوادآموزی و آشنایی با برخی حرفه‌های رایج در محیط‌های نظامی و مورد نیاز ارتش. نظام‌وظیفه کارکردهای سیاسی هم داشت: ایجاد رابطه جدید بین دولت و ملت؛ اتباع کشور صرف‌نظر از مذهب، قومیت یا زبان در نزد دولت برابر و دارای حقوق و تکالیف واحدی بودند؛ آنان وظیفه داشتند به فرامین دولت گردن نهند و از مرزهای

کشور و تمامیت ارضی آن دفاع کنند. نظام وظیفه زائیده ناسیونالیسم بود و هم‌زمان در ترویج آموزه‌های آن مانند ترجیح وفاداری به دولت ملی بر وفاداری و همبستگی‌های دینی، قومی و محلی؛ برانگیختن احساسات ملی و آمادگی برای فداکاری در راه وطن و احترام به نمادهای ملی مانند پرچم، سرود ملی، زبان و سنت‌های ملی نقش داشت. نظام وظیفه به‌عنوان نهادهای مدرن شخصیت و ویژگی‌های روحی و روانی مشمولان را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد. پادگان‌ها و مراکز نظامی نظم و مقررات خود را بر سرباز تحمیل می‌کردند. ساعات مشخص برای بیدارباش و خواب، مراسم صبح‌گاه و رژه، لباس متحدالشکل، نحوه زیست جمعی در آسایشگاه، غذاهای یکسان، سلسله‌مراتب و نظام خشک فرماندهی و فرمانبری، اطاعت از ارشد و... شخصیت و خصوصیات روحی و روانی جدیدی را شکل می‌دادند. همه این کارکردهای غیرنظامی، اما مهم و مؤثر نظام وظیفه، آن را به مدرسه‌ای برای آحاد ملت و سازمانی نو برای نوسازی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و شخصیتی تبدیل می‌کرد. با توجه به این کارکردها، می‌توان گفت نظام وظیفه در دوران پهلوی به احتمال قوی نوعی هم‌نوایی بین افرادی که در معرض آن بودند با هنجارهای مدرن ایجاد کرده بود، اما به دلیل اجبار و روابط آمرانه حاکم در محیط‌های نظامی، در فرهنگ‌پذیری جوانانی که در معرض آن بودند موفق نبود و نتوانست آنها را عمیقاً متحول کند. اقدام مقامات نظامی در مرخص کردن سربازان وظیفه پس از حمله متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰ و نیز نگرانی فرماندهان ارتش از واکنش سربازان وظیفه به رویدادهای انقلابی سال ۱۳۵۷ شواهدی در تأیید یا دست کم قوت این گمان است (سینائی، ۱۳۸۴: ۳۷۵-۳۷۱، ۵۷۴-۵۷۳).

با برافتادن دولت پهلوی در سال ۱۳۵۷ و به‌قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، ایدئولوژی نظام سیاسی ایران متحول شد. در اوضاع جدید انتظار می‌رفت جامعه‌پذیری و بازجامعه‌پذیری سیاسی در نهادهای رسمی در چارچوب ارزش‌ها و ایدئولوژی نظام جدید صورت گیرد. این اتفاق البته به فاصله کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد. سطوح مختلف نظام آموزشی از آموزش و پرورش گرفته تا آموزش عالی و رسانه‌های جمعی به‌ویژه صداوسیما مهم‌ترین نهادهای رسمی برای فرهنگ‌پذیری، جامعه‌پذیری و بازجامعه‌پذیری کودکان، جوانان و بزرگسالان بودند. در این میان با تداوم نظام وظیفه از این نهاد نیز در بازجامعه‌پذیری سیاسی جوانان بهره گرفته شد. گام نخست با تغییر هویت ارتش و ایجاد ارتش "اسلامی" برداشته شد (لطفیان، ۱۳۸۰: ۴۴۵-۳۷۱). اما شیوه سربازگیری و نظام وظیفه در ایران انقلابی

تغییر نکرد. در ماه‌های نخست، مدت خدمت وظیفه به یک سال کاهش یافت، اما با حمله نظامی عراق و بروز تهدیدات جدید امنیتی مدت خدمت بار دیگر افزایش یافت. با تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و اعزام مشمولان به آن، نهاد جدیدی نیز به نیروهای مسلح در فرایند بازجامعه‌پذیری مشمولان افزوده شد.

استفاده از نظام‌وظیفه در فرایند جامعه‌پذیری نخستین بار در ماده ۱۹۵ برنامه پنجم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به صورت رسمی هدف توجه قرار گرفت: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح موظف است «از فرصت خدمت وظیفه عمومی برای ارتقای دانش، مهارت، ارتقای منزلت اجتماعی جامعه هدف در خصوص مبانی و ارزش‌های اسلام و انقلاب با تکیه بر دیدگاه‌ها و سیره حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، ارتقای معنویت، انضباط اجتماعی، تقویت تعاملات سازنده و مهارت‌های حرفه‌ای و افزایش به کارگیری تخصصی سربازان وظیفه و غنی‌سازی شغلی و ارتقای معیشت و منزلت اجتماعی آنان و نیز استفاده بهینه از مشمولان در سازندگی کشور» بهره‌گیری بهینه نماید (برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰: ۱۹۵).

اگر درباره میزان اثرگذاری نظام‌وظیفه در فرایند جامعه‌پذیری در دوره پهلوی نمی‌توان با قاطعیت نظر داد، می‌توان درباره میزان تأثیرگذاری نظام‌وظیفه در فرایند جامعه‌پذیری و بازجامعه‌پذیری سیاسی جوانانی که اکنون در معرض نظام‌وظیفه قرار دارند بررسی‌ها و پژوهش‌هایی صورت داد. دانشجویان یکی از گروه‌هایی هستند که در این باره می‌توانند تحت پرسش قرار گیرند. دانشجویان پسر دانشگاه‌ها در مبحث نظام‌وظیفه به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. گروهی که معافیت تحصیلی دارند و پس از پایان تحصیل باید به خدمت اعزام شوند. در نمونه ما این گروه ۶۴ درصد دانشجویان هستند.
۲. دانشجویانی که از خدمت نظام‌وظیفه به دلایل پزشکی، کفالت و... معاف هستند. آنها در وضعیت کنونی نگران اعزام به خدمت نیستند، اما از نظام‌وظیفه شناخت دارند و نگرش آنها دست کم برای مقایسه با نگرش‌های دو گروه دیگر مفید خواهد بود. در نمونه ما این گروه ۱۴/۵ درصد دانشجویان هستند.

۳. دانشجویانی که تمام یا بخشی از خدمت نظام وظیفه را گذرانده‌اند و تجربه و شناخت مستقیم و بی‌واسطه‌ای از آن دارند. در نمونه ما این گروه ۲۱/۵ درصد دانشجویان را شامل می‌شوند.

#### ۴. فرضیه‌های پژوهش

۱. میان نگرش دانشجویان در گروه‌های سه‌گانه درباره تأثیر نظام وظیفه بر تغییر نگرش به خانواده، دوستان و محیط اطراف تفاوت معناداری وجود دارد.

۲. میان نگرش دانشجویان در گروه‌های سه‌گانه درباره کارکردهای اجتماعی نظام وظیفه تفاوت معناداری وجود دارد.

۳. میان نگرش دانشجویان در گروه‌های سه‌گانه درباره کارکردهای سیاسی معطوف به نظام سیاسی تفاوت معناداری وجود دارد.

۴. میان نگرش دانشجویان در گروه‌های سه‌گانه درباره کارکردهای سیاسی معطوف به مقام‌های سیاسی تفاوت معناداری وجود دارد.

۵. میان نگرش دانشجویان در گروه‌های سه‌گانه درباره کارکردهای معطوف به شناخت و گرایش سیاسی تفاوت معناداری وجود دارد.

#### ۵. تعریف متغیرهای اصلی پژوهش

تأثیر نظام وظیفه بر تغییر نگرش به خانواده، دوستان و محیط اطراف: منظور از این متغیر تأثیر نظام وظیفه بر تغییر نگرش مشمولان پیش و پس از خدمت درباره خانواده، دوستان و محیط اطراف خود است که در قالب همین گویه‌ها در ابزار پژوهش گنجانده شده است.

کارکردهای اجتماعی نظام وظیفه: منظور از این متغیر کسب مهارت‌های اجتماعی، افزایش مسئولیت‌پذیری، ارتقای اخلاق اجتماعی و افزایش روابط اجتماعی در دوران خدمت است که در قالب همین گویه‌ها در ابزار پژوهش گنجانده شده است.

کارکردهای سیاسی نظام وظیفه: این متغیر در سه سطح نظام سیاسی (افزایش اثربخشی سیاسی نظام، تطابق با آرمان‌های نظام، تحقق آرمان‌های نظام، ارتقای نگرش به انقلاب و جنگ و تحقق مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی)، مقامات سیاسی (آشنایی بیشتر با اصل ولایت فقیه، ارائه دیدگاه‌های امام و رهبری، افزایش تمایل به ولایت فقیه و افزایش اعتماد به مسئولان نظام) و شناخت سیاسی (شکل‌دادن به باور سیاسی، واکاوی و تحلیل مسائل سیاسی، تغییر علایق

سیاسی، تأثیر در نگرش به مسائل سیاسی، ارتقای منش و رفتار سیاسی و افزایش مشارکت سیاسی) بررسی شده‌اند.

متغیر وابسته پژوهش نگرش دانشجویان به کارکردهای نظام‌وظیفه است که ابعاد آن در بالا تعریف شد. متغیر مستقل اصلی نیز گروه‌های سه‌گانه است که با توجه به جدول ۱ شامل دانشجویانی با معافیت موقت و الزام به اعزام، معافیت دائم از خدمت و گذراندن تمام یا بخشی از خدمت می‌شود. در نهایت دیگر متغیرهای مستقل، متغیرهای زمینه‌ای شامل شاخه تحصیلی، سال تحصیلی، مقطع تحصیلی، محل سکونت و سن هستند.

## ۶. روش تحقیق

در این پژوهش برای شناخت نگرش دانشجویان از روش پیمایش<sup>۱</sup> با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته بسته‌پاسخ<sup>۲</sup> استفاده شده است. جامعه آماری دانشجویان مذکر دانشگاه فردوسی مشهد در تمام رشته‌ها و مقاطع تحصیلی هستند. از بین آنها با استفاده از فرمول کوکران، نمونه‌ای به حجم ۴۱۰ نفر انتخاب شد. با توجه به هدف پیمایش واحد تحلیل دانشجویان پسر و سطح تحلیل خرد است. برای محاسبه حجم نمونه از نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای نظام‌مند استفاده شده است. به این صورت که معیار اول دانشکده‌ها و معیار دوم رشته‌ها بوده است. بنابراین نمونه‌ها از تنوع زیادی برخوردار بودند و از هر رشته در هر دانشکده نمونه‌ای انتخاب شده است. در مرحله دوم، معیار اصلی انتخاب افراد رابطه آنها با نظام‌وظیفه بوده است. با توجه به وجود سه دسته در میان دانشجویان در نمونه نیز افراد خدمت‌رفته یا نرفته یا معاف از خدمت وجود دارند. در این پژوهش برای حصول نتایج بهتر و معتبر، از روش‌های آماری سودجسته شده است. برای آزمون فرضیات، به دلیل رتبه‌ای بودن متغیر مستقل و ابعاد آن و نیز مقایسه در چند گروه مستقل از آزمون کروسکال والیس<sup>۳</sup> استفاده شده است. داده‌ها پس از جمع‌آوری، ویرایش و پردازش نهایی به وسیله نرم‌افزار اس.پی.اس.اس.۱۶ تجزیه و تحلیل شده‌اند. برای سنجش اعتبار پرسش‌نامه از اعتبار صوری استفاده شد. این اعتبار بر داوری و قضاوت متخصصان مبتنی است. برای به‌دست آوردن میزان روایی معمولاً در تحقیقات پیمایشی از روش

<sup>۱</sup> Survey

<sup>۲</sup> End-closed

<sup>۳</sup> Kruskal-Wallis

آلفای کرونباخ استفاده می‌شود. ابتدا برای حصول میزان روایی، ۴۵ نفر در طرح پایلوت شرکت کردند و میزان آلفای کرونباخ محاسبه شد. میزان آلفای کرونباخ شاخص کارکرد اجتماعی با شش گویه ۰/۸۶، شاخص کارکرد سیاسی با ۱۵ گویه ۰/۸۵ و کل پرسش‌نامه با ۲۱ گویه ۰/۸۷ محاسبه شد.

#### ۷. یافته‌های پژوهش

##### ۷.۱. توصیف متغیرهای زمینه‌ای

یافته‌ها نشان می‌دهد شاخه تحصیلی ۳۹ درصد پاسخگویان علوم ریاضی و مهندسی، ۳۱/۵ درصد علوم تجربی و ۲۹/۲ درصد علوم انسانی است. ۱۹/۶ درصد پاسخگویان سال اول، ۲۲/۳ درصد سال دوم، ۳۱/۹ درصد سال سوم، ۲۱/۷ درصد سال چهارم و ۴/۵ درصد سال پنجم بوده‌اند. ۰/۵ درصد پاسخگویان دانشجوی دوره کاردانی، ۵۷/۸ درصد دانشجوی کارشناسی، ۲۲/۷ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد و ۱۹ درصد نیز دانشجوی دکتری هستند. ۳۳/۳ درصد پاسخگویان ساکن مشهد، ۱۰ درصد ساکن سایر شهرهای خراسان رضوی، ۱۷/۶ درصد ساکن شهرهای خراسان شمالی و جنوبی و ۳۳/۹ درصد ساکن دیگر شهرها هستند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۳/۷۳ سال، کمترین و بیشترین سن ۱۷ و ۵۰ سال است. وضعیت نظام‌وظیفه دانشجویان در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. توصیف وضعیت نظام‌وظیفه دانشجویان

وضعیت نظام‌وظیفه	فراوانی	درصد معتبر
معافیت موقت و الزام به اعزام	۲۶۳	۶۴
معافیت دائم از خدمت	۵۹	۱۴/۵
گذراندن تمام یا بخشی از خدمت	۸۸	۲۱/۵
کل	۴۱۰	۱۰۰

این دسته‌بندی در آزمون مقایسه رتبه‌ها (کروسکال والیس) در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر، در توضیحات مربوط به نظرات پاسخگویان درباره نظام‌وظیفه مقایسه رتبه در دسته‌های سه‌گانه نمونه‌گیری (از نظر وضعیت نظام‌وظیفه) صورت گرفته است. هرگاه این میزان کمتر از ۰/۰۵ باشد ( $P\text{-value} < 0.05$ )، دلیلی بر رد فرضیه محقق ( $H_1$ ) وجود نداشته است و می‌توان یافته‌های حاصل از این پژوهش را به جامعه آماری تعمیم داد.

## ۲.۷. تأثیر نظام‌وظیفه بر تغییر نگرش مضمولان به خانواده، دوستان و محیط اطراف

خود

جدول ۲. تأثیر نظام‌وظیفه بر تغییر نگرش مضمولان به خانواده، دوستان و محیط اطراف

تغییر نگرش به محیط اطراف	تغییر نگرش به خانواده و دوستان	
۱۳	۱۳	کاملاً مخالفم
۱۹	۱۹	مخالفم
۳۳	۳۵	تاحدی
۲۷	۲۴/۵	موافقم
۷	۸	کاملاً موافقم
۳	۳	میانگین کل
۱/۱۳	۱/۱۵	۱. معیار
۳۷۷	۳۶۷	تعداد کل

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد دانشجویان درباره تأثیر نظام‌وظیفه بر تغییر نگرش افراد دیدگاه‌های متفاوتی دارند. یک‌سوم آنان معتقدند انجام خدمت نظام‌وظیفه موجب تغییر نگرش افراد به خانواده و دوستان و محیط اطراف می‌شود، اما یک‌سوم آنها با این موضوع مخالف یا کاملاً مخالف و یک‌سوم نیز تا حدی موافق هستند. بنابراین می‌توان گفت حدود دو سوم دانشجویان با تأثیر نظام‌وظیفه بر تغییر نگرش افراد کاملاً موافق، موافق و تا حدی موافق هستند.

## ۳.۷. نگرش دانشجویان درباره کارکردهای اجتماعی نظام‌وظیفه

کارکردهای اجتماعی نظام‌وظیفه در این پژوهش کمک به کسب مهارت‌های اجتماعی، افزایش مسئولیت‌پذیری، ارتقای اخلاق اجتماعی و افزایش روابط اجتماعی هستند. جدول ۳ نشان می‌دهد در حالی که ۳۹ درصد دانشجویان با تأثیر نظام‌وظیفه در کسب مهارت‌های اجتماعی مخالف‌اند، ۶۱ درصد آنها موافق و تا حدی موافق هستند. درباره تأثیر نظام‌وظیفه در افزایش مسئولیت‌پذیری ۴۲ درصد موافق، ۲۶ درصد مخالف و حدود یک‌سوم تا حدی موافق هستند. از این رو می‌توان گفت بیشتر دانشجویان قائل به تأثیر نظام‌وظیفه در افزایش مسئولیت‌پذیری هستند. درباره افزایش روابط اجتماعی در حالی که ۳۸ درصد مخالف

هستند، ۶۲ درصد موافق و تاحدی موافق هستند. از نظر بیشتر دانشجویان نظام وظیفه کمکی به ارتقای اخلاق اجتماعی نمی کند.

جدول ۳. نگرش دانشجویان به کارکردهای اجتماعی نظام وظیفه

افزایش روابط اجتماعی	ارتقای اخلاق اجتماعی	افزایش مسئولیت پذیری	کسب مهارت های اجتماعی	
۲۰	۲۹	۱۳	۲۰	کاملاً مخالفم
۱۸	۲۴	۱۳	۱۸/۵	مخالفم
۳۹	۲۷/۵	۳۲	۳۵	تاحدی
۱۸	۱۶	۲۹	۲۰	موافقم
۵	۲	۱۳	۶	کاملاً موافقم
۲/۷	۲/۳	۲/۳	۲/۷	میانگین کل
۱/۱	۱/۱	۱/۲	۱/۱	۱. معیار
۳۷۴	۳۸۵	۳۸۹	۴۰۱	تعداد کل

۷. ۴. نگرش دانشجویان درباره کارکردهای سیاسی نظام وظیفه

کارکردهای سیاسی نظام وظیفه در این پژوهش به سه دسته کارویژه های معطوف به نظام، مقام های سیاسی و شناخت سیاسی تقسیم می شوند.

۷. ۴. ۱. کارویژه های معطوف به نظام

جدول ۴. نگرش دانشجویان به کارویژه های سیاسی نظام وظیفه؛ معطوف به نظام

تحقق مبنای ارزش های انقلاب اسلامی	ارتقای نگرش به انقلاب و جنگ	تحقق آرمان های نظام	تطابق با آرمان های نظام	افزایش اثربخشی سیاسی نظام	
۲۷	۲۴/۵	۲۷/۵	۲۵	۲۰	کاملاً مخالفم
۲۱	۲۶	۲۶	۲۵	۲۱/۵	مخالفم
۳۰	۲۵	۲۵	۲۷	۲۸/۵	تاحدی
۱۴	۱۸	۱۴	۱۶	۲۳	موافقم
۸	۶	۷	۷	۷	کاملاً موافقم
۲/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۷	میانگین کل
۱/۲	۱/۱	۱	۱/۱	۱/۲	۱. معیار
۳۳۱	۳۵۱	۳۱۶	۳۳۲	۳۳۰	تعداد کل



کارویژه‌های سیاسی نظام‌وظیفه معطوف به سطح نظام عبارت‌اند از: کمک به افزایش اثربخشی سیاسی نظام، تطابق با آرمان‌های نظام، تحقق آرمان‌های نظام، ارتقای نگرش به انقلاب و جنگ و تحقق مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی.

جدول ۴ نشان می‌دهد بیشتر دانشجویان با کمک نظام‌وظیفه به افزایش تطابق با آرمان‌های نظام، ارتقای نگرش به جنگ و تحقق مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی کاملاً مخالف و مخالف‌اند، درحالی‌که دربارهٔ همهٔ گویه‌های جدول میزان موافقت آنها ۳۰ درصد و کمتر است.

#### ۷. ۴. ۲. کارویژه‌های معطوف به مقامات سیاسی

کارویژه‌های سیاسی نظام‌وظیفه معطوف به مقام‌های سیاسی عبارت‌اند از: کمک به آشنایی بیشتر با اصل ولایت فقیه، ارائهٔ دیدگاه‌های امام و رهبری، افزایش تمایل به ولایت فقیه و افزایش اعتماد به مسئولان نظام.

جدول ۵. نگرش دانشجویان به کارکردهای سیاسی نظام‌وظیفه؛ معطوف به مقامات سیاسی

کمک به آشنایی بیشتر با اصل ولایت فقیه	کمک به ارائهٔ دیدگاه‌های امام و رهبری	کمک به افزایش تمایل به ولایت فقیه	کمک به افزایش اعتماد به مسئولان نظام	
۳۱	۳۰	۴۱	۳۴	کاملاً مخالف
۳۰/۵	۲۴	۳۱	۴۰	مخالف
۲۷	۲۵	۱۹	۱۵	تاحدی
۸	۱۱	۵	۶	موافقم
۳/۵	۹	۴	۴/۵	کاملاً موافقم
۲/۲	۲/۵	۲	۲	میانگین کل
۱/۲	۱	۱	۱/۱	۱. معیار
۳۰۵	۳۰۹	۳۱۰	۳۵۳	تعداد کل

جدول ۵ نشان می‌دهد بیشتر پاسخگویان با کمک نظام‌وظیفه به آشنایی بیشتر با اصل ولایت فقیه، ارائهٔ دیدگاه‌های امام و رهبری، افزایش تمایل به ولایت فقیه و افزایش اعتماد به مسئولان نظام کاملاً مخالف و مخالف هستند و درمقابل در ارتباط با همهٔ گویه‌ها حداکثر ۱۱ درصد و کمتر موافق هستند.

### ۷. ۴. ۳. کارویژه‌های معطوف به شناخت و گرایش سیاسی

کارویژه‌های سیاسی نظام‌وظیفه معطوف به شناخت و گرایش سیاسی عبارت‌اند از کمک به شکل‌دادن به باور سیاسی، واکاوی و تحلیل مسائل سیاسی، تغییر علایق سیاسی، تأثیر در نگرش به مسائل سیاسی، ارتقای منش و رفتار سیاسی و افزایش مشارکت سیاسی.

جدول ۶. نگرش دانشجویان به کارکردهای سیاسی نظام‌وظیفه؛ معطوف به شناخت و گرایش سیاسی

افزایش مشارکت سیاسی	ارتقای منش و رفتار سیاسی	تأثیر در نگرش به مسائل سیاسی	تغییر علایق سیاسی	واکاوی و تحلیل مسائل سیاسی	شکل‌دادن به باور سیاسی	
۲۷	۲۶	۳۰	۲۳/۵	۳۴	۳۱	کاملاً مخالفم
۳۸	۳۵	۳۳	۲۹	۳۶/۵	۳۳	مخالفم
۲۳	۱۸	۲۴	۲۵	۲۱	۲۴	تاحدی
۹	۱۷	۹	۱۵	۶	۹/۵	موافقم
۳	۴	۳	۷/۵	۲/۵	۲	کاملاً موافقم
۲	۲	۲	۵	۲	۲	میانگین کل
۱/۲	۱/۳	۰/۶	۰/۷	۱	۱/۱	۱. معیار
۳۵۹	۳۶۸	۳۵۷	۳۱۲	۳۲۹	۳۶۳	تعداد کل

جدول ۶ نشان می‌دهد بیشتر دانشجویان با کمک نظام‌وظیفه به شکل‌دادن به باور سیاسی، واکاوی و تحلیل مسائل سیاسی، تغییر علایق سیاسی، تأثیر در نگرش به مسائل سیاسی، ارتقای منش و رفتار سیاسی و افزایش مشارکت سیاسی کاملاً مخالف و مخالف هستند، درحالی‌که میزان موافقت آنها با این گویه‌ها حداکثر ۲۲/۵ درصد و کمتر از آن است.

### ۷. ۵. یافته‌های استنباطی پژوهش

در این بخش فرضیه‌های اصلی پژوهش آزمون می‌شود. گفتنی است با توجه به سطح سنجش متغیرهای اصلی پژوهش (ترتیبی) نیز سطح سنجش متغیر مستقل یعنی گروه‌های سه‌گانه (اسمی چندحالتی) برای بررسی تفاوت نگرش از آزمون کروسکال والیس استفاده شده است. آزمون فرضیه اول: نگرش دانشجویان درباره تأثیر نظام‌وظیفه در تغییر نگرش به خانواده، دوستان و محیط اطراف در گروه‌های سه‌گانه تفاوت معناداری دارد.

جدول ۷. آزمون کروسکال والیس درباره تأثیر نظام‌وظیفه بر نگرش به خانواده، دوستان و محیط اطراف

متغیر	میزان موافقت	$\chi^2$	معناداری
تغییر نگرش به خانواده و دوستان	کمینه، معافیت موقت (۱۶۸)، متوسط، معافیت دائم (۲۲۴)، بیشینه، خدمت‌کرده (۲۲۱)	۶۱/۲۴	۰/۰۰
تغییر نگرش به محیط اطراف	کمینه، معافیت موقت (۱۷۴)، متوسط، معافیت دائم (۲۲۱)، بیشینه، خدمت‌کرده (۲۲۴)	۵۴/۱۹	۰/۰۲

جدول ۷ نشان می‌دهد نگرش دانشجویان درباره تأثیر نظام‌وظیفه در تغییر نگرش به خانواده، دوستان و محیط اطراف در گروه‌های سه‌گانه معنادار است و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد (P-value < ۰/۰۵). این آزمون نشان می‌دهد در نگرش دانشجویان به تأثیر نظام‌وظیفه بر تغییر نگرش به خانواده و محیط اطراف با توجه به وضعیت نظام‌وظیفه آنان در گروه‌های سه‌گانه تفاوت‌هایی وجود دارد. به عبارت دیگر دانشجویان با معافیت موقت کمترین موافقت و دانشجویان خدمت‌کرده بیشترین موافقت را دارند.

آزمون فرضیه دوم: میان نگرش دانشجویان درباره کارکردهای اجتماعی نظام‌وظیفه در گروه‌های سه‌گانه تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۸. آزمون کروسکال والیس درباره نگرش دانشجویان به کارکردهای اجتماعی نظام‌وظیفه

متغیر	میزان موافقت	$\chi^2$	معناداری
کسب مهارت‌های اجتماعی	کمینه، معافیت موقت (۱۸۸)، متوسط، معافیت دائم (۲۲۳)، بیشینه، خدمت‌کرده (۲۲۵)	۱۶	۰/۰۰
افزایش مسئولیت‌پذیری	کمینه، معافیت موقت (۱۸۹)، متوسط، معافیت دائم (۲۰۸)، بیشینه، خدمت‌کرده (۲۱۰)	۱۴	۰/۰۲
ارتقای اخلاق اجتماعی	کمینه، معافیت موقت (۱۸۵)، متوسط، معافیت دائم (۱۹۸)، بیشینه، خدمت‌کرده (۲۱۳)	۱۵	۰/۰۱
افزایش روابط اجتماعی	کمینه، معافیت موقت (۱۸۳)، متوسط، معافیت دائم (۱۹۷)، بیشینه، خدمت‌کرده (۲۰۱)	۱۳	۰/۰۱

جدول ۸ نشان می‌دهد میان نگرش دانشجویان درباره کارکردهای اجتماعی نظام‌وظیفه در گروه‌های سه‌گانه تفاوت معناداری وجود دارد و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد.

<sup>۱</sup> نشان آزمون کروسکال والیس همان کای اسکور است. در تمام یافته‌ها میزان درجه آزادی برابر با ۵ است.

(P-value < ۰/۰۵). این آزمون نشان می‌دهد در نگرش دانشجویان به تأثیر نظام‌وظیفه بر متغیرهای کسب مهارت‌های اجتماعی، افزایش مسئولیت‌پذیری، ارتقای اخلاق اجتماعی و افزایش روابط اجتماعی در گروه‌های سه‌گانه تفاوت‌هایی وجود دارد. دانشجویان با معافیت موقت کمترین موافقت و دانشجویان خدمت‌کرده بیشترین موافقت را با وجود این کارکردها دارند.

آزمون فرضیه سوم: میان نگرش دانشجویان درباره کارویژه‌های معطوف به نظام سیاسی در گروه‌های سه‌گانه تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۹. آزمون کروسکال والیس درباره نگرش دانشجویان به کارویژه‌های سیاسی نظام وظیفه؛ معطوف به نظام

متغیر	میزان موافقت	$\chi^2$	معناداری
افزایش اثربخشی سیاسی نظام	کمیته، معافیت موقت (۱۵۹)، متوسط، معافیت دائم (۱۶۸)، بیشینه، خدمت‌کرده (۱۸۴)	۱۵	۰/۰۱
تطابق با آرمان‌های نظام	کمیته، معافیت موقت (۱۵۶)، متوسط، معافیت دائم (۱۸۲)، بیشینه، خدمت‌کرده (۱۸۵)	۱۷	۰/۰۰
کمک به تحقق آرمان‌های نظام	کمیته، معافیت موقت (۱۵۴)، متوسط، خدمت‌کرده (۱۶۶)، بیشینه، معافیت دائم (۱۷۴)	۱۴	۰/۰۲
تحقق مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی	کمیته، معافیت موقت (۱۶۱)، متوسط، خدمت‌کرده (۱۶۷)، بیشینه، معافیت دائم (۱۸۵)	۱۵	۰/۰۱

جدول ۹ نشان می‌دهد میان نگرش دانشجویان درباره کارویژه‌های معطوف به نظام در گروه‌های سه‌گانه تفاوت معناداری وجود دارد و بنابراین قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد (P-value < ۰/۰۵). این آزمون نشان می‌دهد در نگرش دانشجویان به تأثیر نظام‌وظیفه بر متغیرهای افزایش اثربخشی سیاسی نظام، تطابق با آرمان‌های نظام، کمک به تحقق آرمان‌های نظام و تحقق مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی، با توجه به وضعیت خدمت‌آنان در گروه‌های سه‌گانه، تفاوت‌هایی وجود دارد. یعنی دانشجویان با معافیت موقت کمترین موافقت و دانشجویان خدمت‌کرده و معافیت دائم بیشترین موافقت را دارند.

آزمون فرضیه چهارم: میان نگرش دانشجویان درباره کارکردهای سیاسی معطوف به مقامات سیاسی در گروه‌های سه‌گانه تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۰. آزمون کروسکال والیس درباره نگرش دانشجویان به کارکردهای سیاسی نظام وظیفه؛ معطوف به مقامات سیاسی

متغیر	میزان موافقت	کی دو	معناداری
آشنایی بیشتر با اصل ولایت فقیه	کمینه، معافیت موقت (۱۴۳)، متوسط، معافیت دائم (۱۵۹) و بیشینه، خدمت کرده (۱۷۸)	۱۶	۰/۰۰
ارائه‌دهنده دیدگاه‌های امام و رهبری	کمینه، معافیت موقت (۱۴۹)، متوسط، معافیت دائم (۱۵۲) و بیشینه، خدمت کرده (۱۷۶)	۱۲	۰/۰۳
افزایش تمایل به ولایت فقیه	کمینه، معافیت موقت (۱۴۸)، متوسط، معافیت دائم (۱۶۰) و بیشینه، خدمت کرده (۱۷۷)	۱۴	۰/۰۲
افزایش اعتماد به مسئولان نظام	کمینه، معافیت موقت (۱۷۰)، متوسط، معافیت دائم (۱۸۱) و بیشینه، خدمت کرده (۱۹۴)	۱۵	۰/۰۱

جدول ۱۰ نشان می‌دهد میان نگرش دانشجویان درباره کارکردهای سیاسی معطوف به مقام‌های سیاسی در گروه‌های سه‌گانه تفاوت معناداری وجود دارد و بنابراین به جامعه آماری قابلیت تعمیم دارد ( $P\text{-value} < 0.05$ ). این آزمون نشان می‌دهد درباره تأثیر نظام وظیفه بر متغیرهای آشنایی بیشتر با اصل ولایت فقیه، ارائه‌دهنده دیدگاه‌های امام و رهبری، افزایش تمایل به ولایت فقیه، افزایش اعتماد به مسئولان نظام، دانشجویان با معافیت موقت کمترین موافقت و دانشجویان خدمت کرده بیشترین موافقت را دارند.

آزمون فرضیه پنجم: میان نگرش دانشجویان درباره کارویژه‌های معطوف به شناخت و گرایش سیاسی در گروه‌های سه‌گانه تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۱. آزمون کروسکال والیس درباره کارکردهای سیاسی نظام وظیفه؛ معطوف به شناخت و گرایش سیاسی

متغیر	میزان موافقت	$\chi^2$	معناداری
شکل دادن به باور سیاسی	کمینه، معافیت موقت (۱۷۷)، متوسط، خدمت کرده (۱۹۱) و بیشینه، معافیت دائم (۲۰۴)	۱۳	۰/۰۳
واکاوی و تحلیل مسائل سیاسی	کمینه، خدمت کرده (۱۵۵)، متوسط، معافیت موقت (۱۶۵) و بیشینه، معافیت دائم (۱۸۱)	۱۷	۰/۰۰
تغییر علائق سیاسی	کمینه، معافیت موقت (۱۴۳)، متوسط، خدمت کرده (۱۷۰) و بیشینه، معافیت دائم (۱۸۸)	۱۵	۰/۰۱
تأثیر در نگرش به مسائل سیاسی	کمینه، معافیت موقت (۱۷۲)، متوسط، خدمت کرده (۱۹۲) و بیشینه، معافیت دائم (۱۹۳)	۱۴	۰/۰۲
ارتقای منش و رفتار سیاسی	کمینه، خدمت کرده (۱۷۵)، متوسط، معافیت موقت (۱۸۴)، و بیشینه، معافیت دائم (۲۰۵)	۱۶	۰/۰۰
افزایش مشارکت سیاسی	کمینه، معافیت موقت (۱۷۱)، متوسط، خدمت کرده (۱۸۴) و بیشینه، معافیت دائم (۲۰۹)	۱۵	۰/۰۱

جدول ۱۱ نشان می‌دهد میان نگرش دانشجویان درباره کارویژه‌های معطوف به شناخت و گرایش سیاسی در گروه‌های سه‌گانه تفاوت معناداری وجود دارد و بنابراین به جامعه آماری قابلیت تعمیم دارد ( $P\text{-value} < 0/05$ ). این آزمون نشان می‌دهد در موضوع متغیرهای شکل‌دادن به باور سیاسی، تغییر علائق سیاسی، تأثیر در نگرش به مسائل سیاسی و افزایش مشارکت سیاسی، دانشجویان با معافیت موقت کمترین موافقت و دانشجویان با معافیت دائم بیشترین موافقت در موضوع را دارند. متغیرهای واکاوی و تحلیل مسائل سیاسی و ارتقای منش و رفتار سیاسی دانشجویان خدمت‌کرده کمترین موافقت و دانشجویان دارای معافیت دائم بیشترین موافقت را دارند.

### نتیجه‌گیری

دولت‌ها در ایران همواره درصدد بهره‌برداری از نظام‌وظیفه در فرایند جامعه‌پذیری و بازجامعه‌پذیری سیاسی بوده‌اند. در برنامه پنجم توسعه نیز دولت مکلف شده است از فرصت نظام‌وظیفه بهره بگیرد و مجموعه‌ای از اهداف و ارزش‌های اجتماعی و سیاسی را برآورده سازد. با توجه به این تکالیف و در قالب گویه‌هایی برگرفته از آنها نظر دانشجویان را درباره میزان اثرگذاری اجتماعی نظام‌وظیفه و کارکردهای اجتماعی و سیاسی آن جویا شدیم. بیشتر دانشجویان با تأثیر نظام‌وظیفه بر تغییر نگرش مضمولان به خانواده، دوستان و محیط اطراف خود و نیز با اینکه نظام‌وظیفه کارکردهای اجتماعی دارد موافق هستند. اما با اینکه نظام‌وظیفه در سه سطح نظام، مقامات و شناخت سیاسی دارای آثار و کارکردهایی در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی باشد مخالف‌اند. یافته‌ها مؤید فرضیه‌های ماست؛ یعنی میان نگرش دانشجویان در گروه‌های سه‌گانه درباره تأثیر نظام‌وظیفه بر تغییر نگرش به خانواده، دوستان و محیط اطراف، آثار و کارکردهای اجتماعی و سیاسی نظام‌وظیفه تفاوت معناداری وجود دارد. کمترین موافقت با تأثیر نظام‌وظیفه بر تغییر نگرش به خانواده و محیط اطراف، تأثیر نظام‌وظیفه بر متغیرهای اجتماعی و سیاسی در سه سطح نظام، مقام‌ها و شناخت سیاسی از آن دانشجویان با معافیت موقت است که پس از پایان تحصیل باید به خدمت اعزام شوند. این یافته می‌تواند مبین ایستارهای احساسی این دسته از دانشجویان در قبال نظام‌وظیفه نیز باشد. حال آنکه دانشجویانی که خدمت کرده‌اند به‌جز متغیرهای واکاوی و تحلیل مسائل سیاسی و ارتقای منش و رفتار سیاسی، بیشترین موافقت را با تأثیر نظام‌وظیفه بر این متغیرها داشته‌اند.

درباب توجیه یافته‌های این پژوهش می‌توان از سه زاویه متفاوت استدلال‌هایی را مطرح کرد. استدلال نخست به نظام‌وظیفه مربوط می‌شود. کارویژه نظام‌وظیفه تأمین منابع انسانی نیروهای نظامی و کمک به آنها در تأمین امنیت ملی و دفاع از تمامیت ارضی کشور است. اما افزون بر این، نظام‌وظیفه کارکردهایی دارد که از ماهیت، ساختار و ضوابط درونی آن ناشی می‌شوند یا دولت‌ها از نظام‌وظیفه در چارچوب ارزش‌ها و ایدئولوژی خود انتظار انجام آنها را دارند. نظام‌وظیفه به‌عنوان نهادی مدرن مجرای برای گذار به جامعه و دولت جدید است. بنابراین در انتقال ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی جهان مدرن مؤثر است، اما برای برآوردن کارکردهای سیاسی از جمله القا و درونی کردن ایدئولوژی خاص در میان مشمولان ایجاد نشده است. از این رو در بازجامعه‌پذیری سیاسی نیز کارایی پیش‌بینی شده را ندارد. نهادهای نظامی نظام سلسله‌مراتبی و روابط فرمان‌دهی و فرمان‌بری سخت و استواری دارند. با توجه به دوره حداکثر دوساله نظام‌وظیفه، اگر این نهادها آگاهانه دست‌اندرکار دگرگونی‌ها و نگرش‌های سیاسی مشمولان شوند، به اغلب احتمال آموزش‌های آنان مستقیم، صریح و در فضایی کم‌و بیش آمرانه صورت می‌گیرد. این آموزش‌ها در بهترین وضعیت بیشتر به هم‌نوایی و سازگاری ظاهری، سطحی و موقتی مشمولان می‌انجامد.

استدلال دوم به عوامل بیرونی اما مؤثر بر کارکردهای نظام‌وظیفه مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، با گذشت زمان و تداوم فرایندهای گذار و پیچیده‌شدن جوامع بر تعداد و نفوذ عاملان غیررسمی و غیردولتی در فرآیند بازجامعه‌پذیری سیاسی افزوده می‌شود و هم‌زمان از اهمیت نقش نهادهای رسمی و دولتی کاسته می‌شود. جهانی‌شدن و گسترش ارتباطات و رسانه‌ها مهم‌ترین عاملی است که از سویی موجب افزایش درخور توجه و پرنفوذ عاملان غیردولتی و متکثر جامعه‌پذیری شده است و از سوی دیگر توانایی دولت‌ها و تأثیرگذاری آنها را در انتقال و القای ارزش‌های موردنظر خود کاهش داده است. سرانجام استدلال سوم معطوف به افرادی است که در معرض فرایندهای نظام‌وظیفه قرار دارند. دانشجویان مشمول که معافیت موقت دارند، نظام‌وظیفه را مانعی در برابر خود می‌یابند. این نگرش می‌تواند به احساس بیگانگی و مقاومت در برابر کارکردهای سیاسی نظام‌وظیفه یا انکار تأثیرگذاری نظام‌وظیفه بینجامد. موافقت بیشتر دانشجویان خدمت‌رفته و از آن مهم‌تر دانشجویان برخوردار از معافیت، که

اساساً خدمت را انجام نداده و نخواهند داد، با کارکردهای اجتماعی و سیاسی نظام وظیفه در مقایسه با دانشجویانی که باید به خدمت بروند به قوت این استدلال کمک می کند.

### منابع

- آذین، احمد و رضا جهانشاهی (۱۳۸۹) «نقش رادیو و تلویزیون در جامعه پذیری سیاسی دانشجویان»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره نهم: ۱۲۸-۱۰۵.
- آلموند، گابریل و همکاران (۱۳۸۱) چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- اداره کل عفو و پیشگیری از وقوع جرم (۱۳۷۹) بررسی علل ارتکاب جرم، فرار از خدمت سربازان وظیفه و ارائه راه کارهای اجرایی و اصولی جهت پیشگیری از وقوع آن، تهران: سازمان قضایی نیروهای مسلح.
- اداره کل عفو و پیشگیری از وقوع جرم (۱۳۸۰) بررسی موضوع خرید خدمت سربازی، تهران: سازمان قضایی نیروهای مسلح.
- امین مظفری، فاروق و رحیم یوسفی اقدم (۱۳۸۸) «عوامل مؤثر بر جامعه پذیری دانشجویان دکتری با نقش محقق: مطالعه موردی دانشجویان دکتری دانشگاه تبریز»، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال دوم، شماره سوم: ۳۲-۱۷.
- برن، آگ و نیم کوف (۱۳۵۶) زمینه جامعه شناسی، ترجمه امیرحسین آریان پور، تهران: امیرکبیر.
- برنامه پنج ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران (۱۳۹۰) تهران: مؤسسه آموزش عالی و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۳) جامعه شناسی سیاسی، تهران: نی.
- بیگلرپور، علیقلی و همکاران (بی تا) تاریخ ارتش نوین ایران، تهران: ستاد بزرگ ارتشتاران.
- چیلکوت، رونالد (۱۳۷۷) سیاست های مقایسه ای، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: رسا.
- حسینی، سیدحسن و همکاران (۱۳۸۹) «بررسی تأثیر خانواده بر جامعه پذیری سیاسی، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران»، جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال اول، شماره ۱: ۸۲-۶۷.



دفتر مطالعات سیاسی (۱۳۸۲ الف) مجموعه گزارش‌های کارشناسی درباره طرح خدمت وظیفه عمومی: ۶- نگاهی به ارتش‌های حرفه‌ای در جهان و دیدگاه‌های هواداران آن، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

دفتر مطالعات سیاسی (۱۳۸۲ ب) مجموعه گزارش‌های کارشناسی درباره طرح خدمت وظیفه عمومی ۳- بررسی اجمالی تحولات نظام‌وظیفه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

راش، مایکل (۱۳۷۷) *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.

ریشار، یان (۱۳۶۹) «بنیانگذاری ارتش ملی در ایران»، در: یان ریشار، *ایران و اقتباس‌های فرهنگی شرق از مغرب زمین*، ترجمه ابوالحسن سروقدم، مشهد: آستان قدس سینائی، وحید (۱۳۸۴) *دولت مطلقه، نظامیان و سیاست در ایران (۱۲۹۹-۱۳۵۷)*، تهران: کویر. سینائی، وحید (۱۳۸۸) «دولت مدرن، ارتش ملی و نظام وظیفه»، *پژوهش سیاست نظری*، شماره ۷: ۹۵-۱۱۱.

سینائی، وحید (۱۳۹۰) «بررسی تأثیر استراتژی‌ها و فناوری‌های نوین در تحول نظام‌وظیفه به ارتش حرفه‌ای»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۱، شماره ۲: ۲۱۱-۱۹۷.

صالح صدق‌پور، بهرام و شفیعی محمد (۱۳۷۹ الف) *بررسی عوامل درون‌سازمانی مؤثر بر عزت نفس نیروهای وظیفه*، تهران: سازمان قضایی نیروهای مسلح.

صالح صدق‌پور، بهرام و محمد شفیعی (۱۳۷۹ ب) *بررسی عوامل مؤثر بر خوشایندسازی محیط خدمت سربازی*، تهران: سازمان قضایی نیروهای مسلح.

علیزاده، احمد (۱۳۸۲) *مطالعه موردی تجربه چهار کشور در زمینه حرفه‌ای کردن ارتش با تأکید بر نظام‌وظیفه*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس.

فرامزبان، ر.ا. (بی تا) *نظامی‌گیری و اقتصاد در ایالات متحده آمریکا*، ترجمه مرتضی کاظمی یزدی، تهران: آذرنوش.

فیروزجائیان، علی اصغر و جهانگیر جهانگیری (۱۳۸۷) «تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان: نمونه مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه تهران»، *مجله علوم اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱: ۸۳-۱۰۹.

قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۲۶) *تاریخ تحولات سیاسی نظام ایران*، تهران: کتابخانه علی اکبر علمی و شرکاء.

طالقانی، حسین (۱۳۸۱) بررسی کاستی‌های قوانین و مقررات خدمت نظام وظیفه عمومی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

کالمار، ژان (۱۳۶۹) «اصلاحات نظامی در عهد قاجار ۱۷۹۴-۱۹۲۵»، در: یان ریشار، *ایران و اقتباس‌های فرهنگی شرق از مغرب زمین*، ترجمه ابوالحسن سروقدم، مشهد: آستان قدس. کرونین، استفانی (۱۳۷۷) *ارتش و تشکیل حکومت پهلوی در ایران ۱۳۰۵-۱۲۸۹*، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران: خجسته.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴) *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

لطفیان، سعیده (۱۳۸۰) *ارتش و انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مخبرالسلطنه، هدایت (۱۳۶۳) *خاطرات و خطرات*، تهران: زوار.

مسلمی، عبدالرضا (۱۳۸۲) چشم‌انداز کمی و کیفی مشمولان نظام وظیفه طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۴۰۰، تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

مکی، حسین (۱۳۶۲) *تاریخ بیست‌ساله ایران*، جلد دوم، تهران: ناشر.

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹) *رضاشاه و دولت ایلی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

Almond, Gabriel, Sidney Verba (1963) *The Civic Culture: Political and Democracy in Five Nation*, Princeton: Princeton University Press.

Greenstein, Fred (1968) "Political Socialisation", in *International Encyclopedia of the Social Science*, Newyork: Macmillan and Free Press :551-5.

Volgyes, Ivan (ed) (1975) *Political Socialisation in Eastern Europe: A Comoartive Framework*, New York: Praeger.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی